

فصل‌نامه جندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۸

شاه رزم‌آور هخامنشی

عطیه باقری چاروک^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۲۱

چکیده:

رزم‌آوری و جنگجویی از ویژگی‌هایی بود که شاهان هخامنشی نیز به اهمیت آن پی برده بودند. کودکان ایرانی از ابتدا تحت آموزش‌های مختلف قرار می‌گرفتند از جمله آموزش‌های نظامی. در واقع یکی از دلایل انتخاب شاهزادگان به عنوان جانشین شاهنشاه توانایی بالای بدنی و نظامی بود. شاهان هخامنشی همواره به داشتن این ویژگی افتخار می‌کردند و به صورت‌های مختلف سعی در نشان دادن آن داشتند. شاه هخامنشی به عنوان فرمانده کل سپاه هدایت نیروهای مختلف را برعهده داشت و در بسیاری از جنگ‌ها و شورش‌های مهم شرکت می‌کرد. در بعضی از موارد که شاهنشاه هخامنشی در جنگ شرکت نمی‌کرد با انتصاب افرادی به عنوان فرمانده، انجام بعضی از عملیات‌های نظامی را به این افراد واگذار می‌کرد. شاهنشاه هخامنشی به عنوان شاهی پیروزمند اگرچه فرمانده کل سپاه محسوب می‌شد اما تصمیمات مهم جنگی همواره در شورایی مطرح می‌شد و شاهنشاه به تنهایی تصمیم‌گیری نمی‌کرد. در این جستار تلاش شده است با بررسی منابع کهن و استفاده از پژوهش‌های جدید اهمیت ویژگی رزم‌آوری و جنگجویی شاهنشاه هخامنشی مورد بررسی قرارگیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاهان هخامنشی همواره رزم‌آوری و شجاعت در جنگ را مورد توجه قرار می‌دادند.

واژگان کلیدی: هخامنشیان، جنگاوری، سپاه، شورای جنگی، شاه.

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان از دانشگاه فردوسی a.bagheri199@gmail.com

۱- مقدمه:

جنگاوری و دلاوری در جنگ از خصوصیات مردمان ایران زمین است که در طول تاریخ همواره به آن اشاره شده است. در توصیف آریایی‌ها آن‌ها را مردمانی اصیل و جنگاور می‌نامند که دارای اسب و ارابه بودند. البته نمی‌توان اهمیت به جنگاوری را مختص اقوام آریایی دانست. در واقع شرایط و موقعیت زندگی در دوره‌های مختلف تاریخی مردم تمامی نواحی را به سمت یادگیری فنون جنگی سوق می‌داد و همه به نوعی مجبور به یادگیری فنون جنگی بودند. شاید بتوان گفت انسان‌ها در ابتدا برای رفع نیازهای شخصی خود مثل به دست آوردن غذا که آنها را مجبور به مقابله با حیوانات وحشی می‌کرد و سپس برای حفظ و دفاع از خود در برابر دیگران اصول اولیه جنگاوری را به ناچار آموختند و به تدریج آن را منظم و گسترده کردند. در کنار ویژگی ذاتی هرکس برای شجاعت، آنها از کودکی تحت آموزش‌های لازم قرار می‌گرفتند و برای پرورش این ویژگی تلاش می‌کردند. شجاعت و دلاوری افراد به تدریج خصوصیتی شد که برتری شخص را نسبت به همسالانش نشان می‌داد؛ و سبب به دست آوردن موقعیت و جایگاه مهم برای افراد می‌شد. به طوری که افراد شجاعی که در جنگ‌ها دلاوری و جنگاوری خود را نشان می‌دادند مورد تشویق قرار گرفته و به عنوان فرمانده نظامی انتخاب می‌شدند. حتی بسیاری از افراد نیز با توجه به همین ویژگی که داشتند توانستند منصب شاهی را به دست آورند. در دوران هخامنشی نیز رزم‌آوری و جنگجویی ویژگی مهمی بود که شاهان هخامنشی به آن بسیار توجه داشتند.

این پژوهش با تکیه بر منابع تاریخی، و با روش توصیفی و تحلیلی، به بررسی ویژگی جنگاوری شاهان هخامنشی خواهد پرداخت.

یکی از مهمترین ویژگی‌هایی که شاهان هخامنشی به داشتن آن اشاره و افتخار می‌کنند جنگ‌آوری و شجاعت است. این ویژگی نه تنها برای شاهان و کسانی که می‌خواستند به قدرت برسند بلکه برای تمام ایرانیان بسیار مورد توجه بود. جوانان پاری از ابتدای زندگی آموزش‌های لازم را برای

پرورش نیروی جسمانی و شجاعت می‌دیدند؛^۱ زیرا یکی از مؤلفه‌های شایستگی در بین پارسیان، دلاوری در جنگ بود.^۲ شاهزادگان هخامنشی که مدعی تاج‌وتخت بودند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کردند؛ از کودکی تحت آموزش مهارت‌های نظامی و رزمی و تمام آموزش‌هایی که به شجاعت و قوی‌تر شدن آن‌ها می‌انجامید قرار می‌گرفتند. به دلیل اینکه شاهنشاه ایرانی می‌بایست جنگجویی شجاع باشد و در فنون نظامی مهارت بالایی داشته باشد. در واقع داشتن توان بدنی بالا و مهارت در فنون جنگی، سوارکاری و تیراندازی یکی از ویژگی‌های اصلی بود که یک شخص را شایسته جانشینی شاهنشاه می‌کرد؛^۳ به همین دلیل بود که از سنین پایین تا جوانی (۵ تا ۲۴ سالگی) به یادگیری آموزش‌های نظامی (استفاده از کمان، پرتاب نیزه و اسب سواری) می‌پرداختند.^۴ داشتن توان بدنی بالا و مهارت در فنون جنگی، سوارکاری و تیراندازی یکی از ویژگی‌های اصلی بود که یک شخص را شایسته جانشینی شاهنشاه هخامنشی می‌کرد.^۵ هرودوت^۶ روایتی را در مورد کمبوجیه و بردیا ذکر می‌کند که براساس آن، می‌توان نتیجه گرفت که این ویژگی سبب وجود رقابت در بین شاهزادگان می‌شده است. گزنفون^۷ در ستایشی که از کوروش دوم انجام می‌دهد او را در سوارکاری و داشتن مهارت‌های رزمی برتر از دیگر همسالانش، حتی برادرش اردشیر که به شاهی انتخاب شده بود می‌داند. شاید به همین دلیل است که کوروش خود را برای جانشینی پدرش محق‌تر می‌دانست و در نتیجه برای به دست آوردن آن به مقابله با اردشیر پرداخت. داریوش سوم نیز به دلیل داشتن شجاعت و دلاوری که در جنگ با کادوسیان از خود نشان داد شایسته دریافت مقام شاهی شد.^۸ بنابراین کسانی که مدعی تاج و تخت بودند می‌بایست این ویژگی را در خود تقویت کنند.

۱. مجتبیایی، شهرزیبای افلاطون و شاه آرمانی در ایران باستان، ص ۲۸.

2. Hdt, The Histories, 1.136.

3. Plut, Plutarch's Lives, Art.6.1; Xen, Anab, 1.9.

4. Strabo, the Geography of Strabo, 15.3.18.

5. Plut, Plutarch's Lives, Art.6.1; Xen, Anab, 1.9.

6. Hdt, The Histories, 3.30.

7. Xen, Anab, 1.9.

8. Justin, Justin's history of the world, 10.3; Diod, The Library of History, 17.6.1-3.

میدان جنگ، رقابت‌ها و مسابقات و همچنین شکارگاه، مکان‌های مناسبی برای شاهان و شاهزادگان بودند تا این ویژگی خود را نشان دهند. شاهان و شاهزادگان هخامنشی با شکار حیوانات وحشی، شجاعت و استعداد خود را در شکار به سایر درباریان نشان می‌دادند. شکار، هم در مکان‌های باز و هم در پردیس‌های سلطنتی که شکارگاه‌های شاهان هخامنشی نیز بود؛ انجام می‌شد.^۱ به نظر می‌رسد، اهمیت شکار برای هخامنشیان سبب ایجاد مکان‌های مشخصی به عنوان شکارگاه برای شاهان هخامنشی شد که می‌توان آن را پردیس شکار نامید.^۲ (تصویر شماره ۱). شکار علاوه بر اینکه قدرت و شجاعت افراد را به نمایش می‌گذاشت، نوعی تمرین نیز بود تا آن‌ها آمادگی جسمانی و نظامی (استفاده از ابزار جنگی مثل تیروکمان، نیزه، خنجر) خود را نیز حفظ کنند.^۳ «کوروش کوچک اقامتگاه و باغی بزرگ، پراز حیوانات وحشی داشت که هر وقت می‌خواست خود و اسبانش ورزیده شوند در آن به شکار می‌پرداخت».^۴ تصاویر باقی‌مانده از شاهان هخامنشی در حال شکار به‌ویژه شکار شیر که رابطه ممتازی با سلطنت داشت؛ نشان از اهمیت شکار در بین شاهان دارد.^۵ تصویر باقی‌مانده از داریوش هخامنشی بر روی مهر او، داریوش را در حال شکار در پردیس‌های سلطنتی نشان می‌دهد.

۲- نمایش جنگاوری:

با توجه به اهمیت جنگاوری در نزد ایرانیان، شاهان هخامنشی همیشه سعی داشتند خود را در پیوند با این ویژگی نشان دهند. داریوش اول در یکی از کتیبه‌هایش، در نقش رستم (DNb) خود را در فنون نظامی مثل سوارکاری، نیزه‌داری و تیراندازی دارای مهارت معرفی می‌کند. خشایارشا نیز در الگوبرداری از پدر در کتیبه‌اش در تخت جمشید (XPi) خود را مردی ورزیده که در فنون جنگی مهارت دارد معرفی می‌کند.^۶ علاوه بر کتیبه‌ها، در حجاری‌هایی مثل بیستون (تصویر

1. Xen, Hell, 4.1.15.

2. Tuplin, Achaemenid Studies (Historia Einzelschriften 99), p.90.

۳. بروسوس، ایران باستان (هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان)، ص ۷۱.

4. Xen, Anab, 1.2.7.

۵. بریان، امپراتوری هخامنشی، ص ۳۵۴.

6. Kent, Old Persian: grammar texts lexicon, p.140,152.

شماره ۲) و نقش رستم (تصویر شماره ۳)، همچنین بر روی سکه‌ها (تصویر شماره ۴)، شاهنشاه به همراه کمانش تصویر شده است. بر روی سکه‌ها شاه هخامنشی با زانویی خمیده همراه با کمان و نیزه‌ای در دست ظاهر می‌شود. این تصویر مشخص کمانداران پارسی هنگام جنگ است. یونانیان با توجه به نوع تصویری که بر سکه‌های هخامنشی نقش بسته بود به دریک هخامنشی نام عمومی کماندار (سازیتاری) داده‌اند.^۱ در این تصاویر، کمان همیشه در پیوند با شاه نشان داده شده است.^۲ بر روی سکه‌های نقره نیز همواره تصاویر یک جنگجو نمایش داده شده است. اگرچه در دوره‌های مختلف تصاویر این جنگاوران تغییراتی پیدا می‌کند به طوری که در دوران داریوش سوم جنگجو به جای کمان، شمشیر کوتاه یا خنجر ایرانی در دست دارد اما همچنان نقش یک جنگاور بر روی سکه‌ها نقش می‌شد.^۳ در واقع با این اقدامات شاهان هخامنشی سعی داشتند قدرت خود را موجه و مشروع نشان دهند.^۴ زیرا یکی از مولفه‌های انتخاب فرد به شاهی و مشروعیت او جنگاوری فرد بود.

۳- شاهنشاه فرمانده سپاه هخامنشی:

شرایط زندگی و موقعیت جغرافیایی، قبایل آریایی را بر آن می‌داشت تا همواره به دنبال دفاع از خود در برابر سایر قبایل و حکومت‌هایی مثل آشور باشند. این زمینه، ضرورت وجود سپاه‌یانی کارآموده را بیشتر می‌کرد. پیشینه وجود سپاه منظم به دوران پیش از هخامنشیان بازمی‌گردد. به گفته هروودوت^۵ برای اولین بار کیاکسار شاه ماد، سپاه منظمی را به وجود آورد. او سپاه را به واحدهای منظم سواره‌نظام، کمانداران و نیزه‌داران تقسیم‌بندی کرد. ضرورت وجود سپاه‌یانی کارآموده برای مقابله با دشمن، سبب شد تا پارسیان، آموزش‌های نظامی را از سنین پایین آغاز

۱. بابلون، سکه‌های ایران در دوران هخامنشی، ص ۸.

2. Nimchuk, "The "Archers" of Darius: Coinage or Tokens of Royal Esteem?" p.65.

۳. بابلون، سکه‌های ایران در دوران هخامنشی، ص ۱۲.

۴. بریان، امپراتوری هخامنشی، ص ۱۳۸.

5. Hdt, The Histories, 1.131.1.

کنند.^۱ گزنفون^۲ گزارشی درمورد این نوع آموزش‌ها ارائه می‌هد. البته به نظر می‌رسد که این نوع آموزش‌ها همگانی نبوده و گروه خاصی توانایی بهره‌مندی از آن را داشتند.

لازمه به دست آوردن سزمین‌های بسیار و مغلوب کردن حکومت‌های بزرگ، وجود سپاهی منظم و قدرتمند است که به درستی رهبری شود. به نظر می‌رسد کوروش بزرگ در ابتدا، متکی بر سپاهانی بود که سران قبایل پارسی در اختیار او قرار دادند.^۳ در این دوره سپاهیان، نیروهای شبه نظامی بودند. به نظر می‌رسد این نیروهای شبه نظامی را مردم تشکیل می‌دادند؛ و هر یک از این نیروها می‌بایست خودش تجهیزاتش را تهیه کند.^۴ با فتح سرزمین‌های جدید، افراد بیشتری به عنوان نیروی نظامی وارد سپاه کوروش می‌شدند.^۵ این نیروها اگرچه همانند دوران داریوش اول، نظم چندانی نداشتند اما سقوط قدرت‌های نظامی بزرگی همچون آشور، سبب شده بود تا این نیروها رقیب نظامی جدی نداشته باشند.^۶ سپاه سلطنتی هخامنشی از سه گروه تشکیل می‌شد: ۱- ارتش دائمی به نام اسپادا (Spāda)، متشکل از ارابه رانان (فارسی باستان asabāra = اسواران)، شتررانان (ušabāri)، نیزه‌داران (rštika) و کمانداران (θanuvaniya). دو گروه سواره و پیاده‌نظام نیز در این ارتش حضور داشتند.^۷ ۲- گروه دوم نیروهایی بودند که شهرها در اختیار سپاه سلطنتی قرار می‌دادند. ۳- سوم مزدورانی بودند که در سپاه سلطنتی خدمت می‌کردند.

این سه گروه، سپاهیان سلطنتی را هنگام جنگ تشکیل می‌دادند. سازماندهی این سپاه عظیم براساس یک سیستم مشخص انجام می‌شد که آن را سیستم ده‌دهی می‌نامند. یعنی هر یک از نظامیان در یک دسته و رسته مشخص با نامی مشخص قرار داشتند که توسط یک شخص فرماندهی می‌شده است.^۸ این سپاهیان در یک جمع‌بندی کلی در دو گروه نیروی

1. Strabo, the Geography of Strabo, 15.3.18.

2. Xen, Cyro.1.2.4-6.

3. Hdt, The Histories, 1.125.3.

۴. ویسپوفر، ایران باستان (از ۵۵۱ پیش از میلاد تا ۱۵۱ پس از میلاد)، ص ۱۲۴.

5. Olmsted, History of the Persian Empire, p.56.

۶. بروسیوس، ایران باستان (هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان)، ص ۸۸-۸۷.

۷. ویسپوفر، ایران باستان (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد)، ص ۱۲۴.

۸. فرای، تاریخ باستانی ایران، ص ۱۹۵؛ بروسیوس، ایران باستان (هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان)، ص ۸۸.

زمینی (سواره‌نظام، پیاده‌نظام) و ناوگان دریایی قرار می‌گرفتند، که واحدهای سپاه سلطنتی را تشکیل می‌دادند.

اگرچه وظیفه گردآوری و تأمین سپاهیان سلطنتی برعهده هر یک از خشترپاون‌ها بود،^۱ اما این نیروها با پیوستن به سپاه سلطنتی، یک کل را تشکیل می‌دادند که فرماندهی آن‌ها کاملاً مستقل از خشترپاون‌ها قرار داشت.^۲ این فرماندهان مستقیماً در برابر شاهنشاه مسئول بودند نه ساتراپ‌ها. این ترتیب، سبب تسلط شاهنشاه هخامنشی بر امور لشکری می‌شد.^۳ در مرکزیت این سپاه، شاهنشاه هخامنشی قرار داشت که فرمانده کل نیروها محسوب می‌شد.^۴ در واقع اگرچه هر گروه از نظامیان، فرمانده مشخصی داشت؛ اما فرماندهی کل نیروها را خود شاهنشاه برعهده داشت و همه می‌بایست تحت فرمان او باشند. شاهنشاه هخامنشی از طریق خلیپارک (Chiliarch) یا هزارتپی (hazārapati)، که دومین مقام نظامی پس از شاهنشاه بود؛ نیروهایش را کنترل می‌کرد.^۵

اقدام مهمی که شاهان هخامنشی در جنگ‌ها انجام می‌دادند، سان دیدن از سپاهیان بود. برای نخستین بار در آبودوس (Abydos) پیش از عبور از هلسپونت از سپاهیان سلطنتی سان دیده شد.^۶ هرودوت^۷ این سان سلطنتی را که توسط خشایارشا انجام شد به تصویر می‌کشد. در این لشکرکشی، بار دیگر در منطقه دوریسکوس تراکیا، شاهنشاه از سپاهیان، سان دید.^۸ کوئنتوس کورسیوس روفوس^۹ هدف این اقدام را روحیه بخشی به واحدهای مختلف سپاه توسط شاهنشاه می‌داند.^{۱۰} پیربریان معتقد است هدف شاه هخامنشی از این اقدام، آشنایی با نیروهای

1. Xen, Ec, 4.5-7.

۲. ناردو، امپراتوری ایران، ص ۵۷؛ فرای، تاریخ باستانی ایران، ص ۱۹۵.

۳. ناردو، امپراتوری ایران، ص ۵۷.

۴. هد، ارتش ایران هخامنشی، ص ۷۱.

5. Schmitt, "Achaemenid dynasty", p.423.

۶. بریان، امپراتوری هخامنشی، ص ۳۰۲.

7. Hdt, The Histories, 7.44.

8. Hdt, The Histories, 7.100.

9. Curtius Rufus, Historiarum Alexandari Magni Macedonis libri qui supersunt, 3.2.1.

۱۰. بریان، امپراتوری هخامنشی، ص ۳۰۳.

نظامی و همچنین دیدن تنوع قومی و فرهنگی اقوام شاهنشاهی است. همچنین خشایارشا با بسیج این نیروها به دنبال نمایش قدرت و وسعت امپراتوری خود است.^۱ باتوجه به اینکه شاهنشاه هخامنشی، فرماندهان بخش‌های مختلف سپاه را خودش انتخاب می‌کرد و در این انتخاب باتوجه به شرایطی که وجود داشت معمولاً نزدیکان شاهنشاه انتخاب می‌شدند؛ بعید به نظر می‌رسد که هدف شاهنشاه از این اقدام، تنها، آشنایی با نیروهای نظامی بوده باشد؛ به‌ویژه که شاهنشاه، فرماندهی سپاه را به پارسیانی می‌سپارد که اغلب از خاندان‌های عالی‌نسب هستند.^۲ بنابراین با آن‌ها آشنایی دارد. همچنین با توجه به اینکه بسیاری از فتوحات و کشورگشایی‌ها پیش از خشایارشا انجام شده بود؛ احتمالاً شاهنشاه از تنوع قومی سرزمینش آگاهی داشته‌اش. شاید شاهنشاه با این اقدام می‌خواست نیروهاش را با خودش آشنا کند. به‌عبارت دیگر خودش را به نیروهایش بنمایاند. به‌ویژه که در سان دوم سوار بر گردونه از برابر سپاهیان می‌گذرد و سوار بر کشتی صیدایی از ناوگان دریایی سان می‌بیند.^۳ شاید شاهنشاه با این کار، هدفی والاتر را دنبال می‌کرده‌است؛ و آن معرفی خودش به‌عنوان فرماندهی کل سپاه و قدرت برتر، به اقوام سرزمینش بوده‌است. شاید تمامی مردم قلمرو به‌ویژه سرزمین‌هایی که فاصله بیشتری با پایتخت‌ها داشتند و حتی آریایی نبودند با نوع ایدئولوژی سیاسی هخامنشی و اینکه در این نظام، شاهنشاه قدرت برتر است آشنایی نداشتند؛ بنابراین در این زمان که مردم مختلف قلمرو حضور داشتند؛ بهترین فرصت برای نمایش ایدئولوژی نظام سلطنتی و سلسله مراتب قدرت بوده‌است. همانطور که جابه‌جایی‌های دربار نیز این امکان را به شاه می‌داد تا قدرت و ثروتش را در همه جا تأیید کند.^۴ به‌نظر می‌رسد این اقدام در واقع نمادی بود از یک ایدئولوژی؛ ایدئولوژی که شاهنشاه هخامنشی را در رأس همه امور و قدرت برتر معرفی می‌کرد.

۱. همان، ص ۳۰۳-۳۰۲.

۲. همان، ص ۳۰۳؛ 7.81-96. Hdt, The Histories.

3. Hdt, The Histories, 7.100.

۴. بریان، امپراتوری هخامنشی، ص ۳۰۴.

انتظار می‌رفت شاهنشاه هخامنشی که در رأس سپاهیان قرار داشت؛ فرماندهی نیروها را در لشکرکشی‌ها برعهده بگیرد.^۱ احتمالاً به‌همین دلیل شاهان هخامنشی به‌ویژه در ابتدای کشورگشایی‌ها فرماندهی نیروهای نظامی را در لشکرکشی‌ها برعهده داشتند. فتوحات کوروش بزرگ تحت فرماندهی خود او انجام شد. کمبوجیه برای فتح مصر،^۲ داریوش یکم برای مقابله با سکاها^۳ و خشایارشا برای مقابله با یونان،^۴ شخصاً هدایت سپاهیان را برعهده داشتند. شاهان هخامنشی در جنگ‌های مهم و اصلی، در لشکرکشی‌ها حضور داشتند. برای سرکوب شورش‌ها و یا ادامه فتوحات در یک منطقه معمولاً شاهنشاه، فرماندهی سپاه را به شخصی دیگر می‌سپرد. البته زمانی که شورش‌ها بسیار مهم بودند، شاهنشاه شخصاً برای سرکوبی آن‌ها اقدام می‌کرد و فرماندهی را برعهده می‌گرفت. اردشیر دوم به مقابله با برادرش کوروش کوچک شتافت.^۵ اردشیر سوم در سال ۳۴۲ پیش از میلاد برای سرکوب شورش به مصر لشکر کشید.^۶ زمانی که تهدید اسکندر برای تصرف ایران شکل جدی گرفت، داریوش سوم در رأس سپاهیان برای مقابله با اسکندر به ساحل گرانیکوس رفت.^۷ پیش از این، او مقابله با اسکندر را به فرماندهانش سپرده بود.^۸ این فرماندهان، اغلب از اشراف بلندپایه پارسی و از اعضای خاندان سلطنتی بوده‌اند. برای نمونه می‌توان به مردونیوس اشاره کرد؛ او یکی از فرماندهان در جنگ با آتن در منطقه تراکیا بود و پس از عقب‌نشینی خشایارشا در ۴۷۹ پیش از میلاد، سپاهیان را در یونان فرماندهی می‌کرد. کوروش کوچک نیز در زمان پدرش برای مقابله با آتنی‌ها به ساتراپی‌های غربی رفت.^۹ البته گاهی نیز اتفاق می‌افتاد که فرماندهی نیروها به غیرپارسیان سپرده شود؛ به‌ویژه در زمان کوروش بزرگ و کمبوجیه. اما این اتفاق در دوره‌های دیگر کم‌رنگ‌تر شد. به‌ویژه پس از ثبات

۱. هد، ارتش ایران هخامنشی، ص ۱۷.

2. Hdt, The Histories, 3.65.6.

3. Ibid, 4.1.1.

4. Diod, The Library of History, 11.6.3.

5. Xen.anab.1.8.21.

6. Diod, The Library of History, 16.46-47.

7. Ibid, 17.30.2-4.

۸. بروسیوس، ایران باستان (هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان)، ص ۹۳-۹۲.

۹. هد، ارتش ایران هخامنشی، ص ۱۷.

قدرت داریوش یکم که سعی داشت بیشتر بر اشرافیت پارسی تکیه کند. البته زمانی که او به فرماندهان با تجربه نیاز پیدا می‌کرد از غیرپارسیان نیز استفاده می‌کرد.^۱ دو تن از فرماندهان داریوش برای سرکوب شورش‌های پس از تخت‌نشینی، پارسی نبودند؛ یکی دادارشی ارمنی و دیگری تخمسپده ماد. ^۲ داتیس مادی نیز با همراهی ارتافرنس برادرزاده داریوش، در نبرد با یونان پس از مردونیوس هدایت سپاه سلطنتی را برای مطیع کردن آتن و ارترا برعهده داشت.^۳ به نظر می‌رسد انتخاب این فرماندهان جزو اختیارات شاهنشاه بود؛ اما اینکه شاهنشاه در عمل تا چه اندازه در این انتخاب آزاد بود مشخص نیست. احتمالاً او این انتخاب را با در نظر گرفتن شرایط فرد و احتمالاً با مشورت شورای درباری انجام می‌داده است.^۴ این فرماندهان اختیارات محدودی داشته‌اند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت این منصوبین، تنها هدایت سپاه سلطنتی را برعهده داشته‌اند و شاه جایگاه خود را به عنوان فرمانده کل نیروها در جنگ حفظ می‌کند. این فرماندهان می‌بایست چیزی را که شاهنشاه فرمان داده بود انجام دهند و حق خودرأیی نداشتند. درواقع شاهنشاه، مسئول اقدامات فرماندهانش در مناطق مختلف بود.^۵ اگرچه در چنین مواردی شاهنشاه در جنگ حضور نداشت اما تصمیمات مهم می‌بایست با اجازه او انجام شود؛ و این فرماندهان تا کسب اجازه از شاه نمی‌توانستند خودشان برای اقدامات مهم تصمیم‌گیری کنند.^۶ احتمالاً شاهان هخامنشی با مشورت و تأیید شورای درباری این اجازه را برای فرماندهان، صادر می‌کردند.

۱. مانوئل کوک، شاهنشاهی هخامنشی، ص ۸۹.

۲. هد، ارتش ایران هخامنشی، ص ۱۸.

3. Hdt, The Histories, 6.94.2; Diod, The Library of History, 11.22.

۴. هد، ارتش ایران هخامنشی، ص ۱۷.

5. Hdt, The Histories, 6.97.1; Diod, The Library of History, 15.41.2; Xen.Hell.4.8.16.

6. Hdt, The Histories, 5.31-32.1; Diod, The Library of History, 15.41.5.

۴- شوراهای جنگی و اختیارات شاهنشاه هخامنشی:

مهمترین شورایی را که در دوران هخامنشی منابع یونانی به آن پرداخته‌اند؛ شوراهایی است که برای امور نظامی تشکیل می‌شد. وجود این شوراها برای تصمیم‌گیری‌های مهم نظامی ضروری بوده است.^۱ مهمترین منبع ما برای بررسی شوراهای جنگی نوشته‌های هرودوت است. با توجه به تصویری که منابع یونانی در اختیار قرار می‌دهند می‌توان مشخص کرد چه گروه‌هایی در این شوراها حضور داشته‌اند. احتمالاً شاهنشاه در رأس این شوراها قرار داشت. در مرتبه پس از شاهنشاه، اصلی‌ترین گروهی که وجودش در این شوراها ضروری بوده است؛ نجیب‌زادگان پارسی بودند.^۲ افسران ارشد نظامی که فرماندهی بخش‌های مختلف سپاه را برعهده داشتند نیز در این شوراها حضور داشتند.^۳ نکته قابل توجه در این است که گاهی افرادی در این شوراها حضور داشتند که نه جزو برگزیدگان پارسی بودند و نه جزو افسران ارشد؛ آن‌ها رقیبان یا حتی می‌شود گفت دشمنان پیشین هخامنشیان بودند که پس از شکست، در نتیجه سیاست هخامنشیان زنده ماندند و به کار گرفته شدند. افرادی همچون کروزوس شاه شکست خورده لودیا،^۴ هیپیاس حاکم پیشین آتن که از مقام خود خلع شده بود و بهانه‌ای شد برای درگیری داریوش با آتن،^۵ تمیستوکلس فرمانده نیروی جنگی یونان برای مقابله با نیروهای خشایارشا در نبرد سالامیس، که پس از جنگ به شاه ایران پناهنده شد.^۶

شوراهای جنگی احتمالاً در دربار شاهان هخامنشی یا در خیمه‌های سلطنتی که به مثابه همان کاخ و دربار بود برگزار می‌شد.^۷ به نظر می‌رسد تشکیل این شوراها بنا بر ضرورت، پیش از جنگ و حتی در زمان جنگ برای مشخص کردن فرماندهان، تعیین استراتژی جنگی و امور مربوط به لشکرکشی‌ها انجام می‌گرفت. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد؛ یکی از دلایل تشکیل شوراهای پیش

۱. احتشام، ایران در زمان هخامنشیان، ص ۴۴.

۲. Hdt, The Histories, 1.206.3; 3.127.2; 7.8.1.

۳. احتشام، ایران در زمان هخامنشیان، ص ۴۴.

۴. Hdt, The Histories, 1.207.1; 2.156.1-2.

۵. Ibid, 5.96.

۶. Diod, The Library of History, 11.57.1.

۷. بریان، امپراتوری هخامنشی، ص ۳۹۵.

از جنگ، اطمینان شاهنشاه از وفاداری خشرپاویانها و بزرگان پارسی و تأمین نیروهای لازم از سوی آنها است. به این منظور، شاهنشاه سعی می‌کرد با دلایلی اعضای شورا را راضی نگه دارد و آنها را متقاعد برای انجام جنگ کند.^۱ شاید بتوان یکی دیگر از دلایل تشکیل شوراهای جنگی را مسائل سیاسی و ایدئولوژیکی دانست. در ایدئولوژی سیاسی هخامنشی، شاهنشاه همواره به صورت پیروزمند تصویر می‌شود.^۲ داریوش در کتیبه‌اش (DNb) به توانمندی رزمی‌اش که او را در رأس جنگجویان قرار می‌داد و سبب پیروزی او در جنگ‌ها می‌شده است اشاره می‌کند. نقش برجسته بیستون نیز نمادی است از شاه پیروزمندی که در جنگ‌ها موفق می‌شود دشمنان را شکست دهد و پیروز باشد (تصویر شماره ۵). شاه هخامنشی حتی در هماوردی با حیوانات وحشی نیز قهرمان و پیروز بود (تصویر شماره ۶). بیان سرزمین‌های تحت سلطه نیز می‌تواند نمایش پیروزمندی شاهنشاه هخامنشی باشد. به نظر می‌رسد شاهان هخامنشی سعی می‌کردند با توجه به این ایدئولوژی، شوراهای جنگی را برگزار کنند؛ و شاید به نوعی دیگران را نیز در تصمیم‌گیری شریک کنند تا در صورت شکست این چهره شاه پیروزمند و توانا و در نهایت مشروعیتشان همچنان حفظ شود.

شوراهای جنگی سبب می‌شد تا شاهنشاه با عقاید مختلف آشنا شود.^۳ کسانی که در شورا حضور داشتند می‌توانستند نظرات خود را اعلام بدارند و حتی گاهی به مخالف برمی‌خواستند. احتمالاً رای افراد، متکی بود بر نظر کسانی که از قدرت و جایگاه بالاتری برخوردار بودند. در گزارشی که هرودوت^۴ از شورای پیش از حمله به یونان که توسط خشایارشا تشکیل شد، ارائه می‌دهد؛ پس از اینکه مردونیوس از شاهنشاه حمایت می‌کند بقیه پارسیان که در شورا حضور داشتند جرأت بیان هیچ عقیده مخالفی را ندارند و تنها ارتبان، عموی خشایارشا است که مخالفت خودش را اعلام می‌کند. تصمیم‌گیری در نهایت با شاهنشاه بود. او با در نظر گرفتن عقاید اعضای شورا این

1. Hdt, The Histories, 7.8-9.1.

۲. بریان، امپراتوری هخامنشی، ص ۳۲۸.

3. Hdt, The Histories, 7.8.1.

4. Ibid, 7.10.1.

کار را انجام می‌داد.^۱ اینگونه به نظر می‌رسد عواملی سبب می‌شد تا شاهنشاه هخامنشی با احتیاط در زمینه نظامی تصمیم‌گیری کند. این عوامل عبارتند از:

۱- شاهنشاه در نهایت، تصمیمی می‌گرفت که مخالفت جدی برای آن وجود نداشته باشد. در واقع با توجه به اینکه بخشی از سپاهیان سلطنتی نیروهای ساتراپی‌ها بودند؛ سعی می‌شد موافقت آن‌ها کسب شود؛ و حتی در صورت مخالفت جدی، ممکن بود که یک تصمیم پذیرفته نشود؛ مانند پیشنهاد زمین سوخته که مِمون برای مقابله با اسکندر ارائه داد. بیشتر بلندپایگان پارسی این پیشنهاد را نپذیرفتند و ساتراپ فریگیه نیز با آن مخالفت کرد؛ در نتیجه نیروها برای مقابله نظامی با اسکندر آماده شدند.^۲ در مواردی که شاهنشاه شخصیت قدرتمندی نداشت؛ ممکن بود این تأثیر بیشتر شود و شاید شاهنشاه مجبور به پذیرش نظر کسانی می‌شد که در شوراها حضور داشتند.^۳

۲- تصویری که شاهنشاه از خود به عنوان شاه پیروزمند ارائه می‌داد. شاهنشاه پیروزمند هخامنشی برای حفظ این تصویر، که به نوعی با نشان دادن رزمجویی شاهنشاه، سبب مشروعیت او می‌شد؛ می‌بایست در جنگ‌ها با در نظر گرفتن دیگر عقاید عمل کند. چه بسا که خود رأیی او در مسائل نظامی می‌توانست سبب شکست نیروها شود و این اتفاق چهره شاه پیروزمند را متزلزل می‌کرد. در حالی که شرکت دادن دیگران در این تصمیم‌گیری می‌توانست در صورت شکست، این چهره را همچنان حفظ کند؛ چون در این صورت مسئولیت شکست، تنها برعهده شاهنشاه نبود؛ بنابراین با توجه به مواردی که ذکر شد؛ شاهنشاه هخامنشی گرچه فرمانده کل نیروهای نظامی محسوب می‌شد و اختیارات زیادی در این زمینه داشت؛ اما عواملی نیز سبب محدودیت در اختیار عمل برای او می‌شده‌است. شاهنشاه هخامنشی در زمینه تصمیم‌گیری در مورد انجام جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها و همچنین روش‌های جنگی، دارای قدرت و اختیارات نامحدودی نبوده‌است. همانطور که ذکر شد؛ عوامل متعددی این محدودیت را برای شاهان هخامنشی به وجود می‌آورد و مانع از اختیارات نامحدود او در زمینه تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات نظامی می‌شد.

1. Ibid, 1.208.1;7.11.1; Diod, The Library of History,17.30.4.

2. Arrian, Anabasis Alexander ,1.12.8-10; Diod, The Library of History, 17.18.1-2.

3. Ibid, 17.30.6.

به نظر می‌رسد شاهان هخامنشی اقداماتی را برای افزایش اختیارات نظامی خود انجام می‌دادند. ساخت و تقویت پادگان‌های نظامی و همچنین به کارگیری نیروهای مزدور را می‌توان از جمله تلاش‌های شاهان هخامنشی برای افزایش قدرت و اختیاراتشان در زمینه نظامی دانست. این اقدامات همچنین سبب کاهش قدرت ساتراپی‌ها و بزرگان پارسی نیز می‌شد. پادگان‌های نظامی توسط فرماندهانی اداره می‌شد که مستقیماً در برابر پادشاه مسئول بودند و از او فرمان می‌گرفتند.^۱ این پادگان‌ها به گونه‌ای سازماندهی شده بودند که هر فرمانده پادگان، فرماندهی نظامی چهار یا پنج ساتراپی را برعهده داشت. در واقع تعداد این فرماندهان با تعداد ساتراپ‌ها یکسان نبود.^۲ شاهنشاه هخامنشی پادگان‌های نزدیک را شخصاً سرکشی می‌کرد و برای نظارت بر کار سایر پادگان‌هایی که در مناطق دورتر بودند افراد مورد اعتمادش را می‌فرستاد. وظیفه تأمین نیروهای این پادگان‌ها هم برعهده ساتراپی‌ها بود.^۳ این ساختار نیز احتمالاً ترتیبی نبوغ آمیز بود که کنترل و نظارت بر فرماندهان پادگان‌ها را افزایش می‌داد. حضور مزدوران را نیز اگرچه بعضی نشانه ضعف و بعضی نشانه ثروت زیاد شاهنشاهی هخامنشی دانسته‌اند؛ به نظر می‌رسد شاهنشاه هخامنشی با به کارگیری این نیروها می‌خواست قدرت خودش را افزایش دهد. استخدام این نیروهای بیگانه که وابستگی به بزرگان پارسی و خاندان‌های دیگر نداشتند؛ سبب می‌شد تا شاهنشاه برای تأمین نیروهایش وابستگی کمتری به خشترپاوان‌ها داشته باشد؛ در نتیجه اختیاراتش برای انجام بعضی اقدامات نظامی و گرفتن بعضی از تصمیمات بیشتر می‌شد.

نتیجه:

شاهان هخامنشی در کنار تمام ویژگی‌هایی که سبب مشروعیت حکومت آن‌ها می‌شد به اهمیت جنگاوری و رزم‌آوری در نزد ایرانیان پی برده بودند به همین دلیل برای تقویت آن تلاش می‌کردند. در ایدئولوژی نظام سلطنتی هخامنشی، شاهنشاه به صورت شاه جنگاور پیروزمندی

۱. هد، ارتش ایران هخامنشی، ص ۲۵.

۲. ناردو، امپراتوری ایران، ص ۵۸.

3. Xen, Ec, 4.5-7.

تصویر شده است که تمام نیروهای نظامی را تحت فرمان خود دارد. البته او بخشی از اختیارات خود را به فرماندهان خردتر واگذار می‌کرد که مستقیماً از شاهنشاه دستور می‌گرفتند. گستردگی قلمرو هخامنشی سبب شده بود تا شاهان برای نشان دادن ایدئولوژی حکومت خود از روش‌های مختلفی استفاده کنند، تعاریفی که در کتیبه‌ها از شاهان وجود دارد، نقش مهره‌ها و سکه‌ها، تصاویری که در حجاری‌ها مختلف وجود دارد و سان شاهنشاه از سپاه سلطنتی در جنگ‌ها همه نشان از تلاش شاهان هخامنشی برای نشان دادن جنگاوری خود دارد. آن‌ها اگرچه در رأس سپاه قرار داشتند اما به دلایلی مثل حفظ ویژگی خود به عنوان شاه همیشه پیروز و جلب حمایت اشراف و بزرگان تصمیمات مهم جنگی را در شوراها می‌جنگی و با مشورت دیگران اتخاذ می‌کرد.

منابع و مأخذ:

- احتشام، مرتضی. *ایران در زمان هخامنشیان*. تهران: جاویدان، ۲۵۳۵.
- بابلون، ارنست. *سکه‌های ایران در دوران هخامنشی*. ترجمه ملک‌زاده بیانی-دکترخان بابا بیانی، انجمن آثار ملی، بی‌جا، ۱۳۵۸.
- بروسیوس، ماریا. *ایران باستان (هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان)*. ترجمه عیسی عبدی، تهران: ماهی، ۱۳۹۲.
- بریان، پیر. *امپراتوری هخامنشی*. ترجمه ناهید فروغان. تهران: نشر و پژوهش فروزان‌روز-قطره، ۱۳۸۷.
- فرای، ن. ریچارد. *تاریخ باستانی ایران*. ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۸۸.
- مانوئل کوک، جان. *شاهنشاهی هخامنشی*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
- مجتبایی، فتح‌الله. *شهرزیبای افلاطون و شاه آرمانی در ایران باستان*. انجمن فرهنگ ایران باستان، بی‌جا، ۱۳۵۲.
- ناردو، دان. *امپراتوری ایران*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، ۱۳۸۲.
- ویسهوفر، یوزف. *ایران باستان (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد)*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، ۱۳۸۸.
- هد، دانکن. *ارتش ایران هخامنشی*. ترجمه محمد آقاجری، تهران: ققنوس، ۱۳۹۱.
- Arrian. (1967). *Anabasis Alexander: Book I-IV*, Vol.1, Trans. I. Robson. E, B. D., London: Harvard University press.

- Curtius Rufus, Q. (1908). *Historiarum Alexandari Magni Macedonis libri qui supersunt*. Trans. E. Hedice. In aedibus B.G. Teubneri. Lipsiae.
- Diodorus Siculus, (1989). *The Library of History*, Trans. C. H. Oldfather, Cambridge, Mass: Harvard University Press.
- Herodotus, (1920). *The Histories*, Trans. A. D. Godley. Cambridge: Harvard University Press.
- Justin (1886). *Justin's history of the world, extracted from Pompeius Trogus*. pp. 1-90. Preface, Books 1-10.
- Kent, R. G. (1950). *Old Persian: grammar texts lexicon*, American Oriental Society, New Haven.
- Nimchuk, C. L. (2002). "The "Archers" of Darius: Coinage or Tokens of Royal Esteem?". Freer Gallery of Art: Michigan. 32, 55-79. Also available at: <http://www.jstor.org/stable/4629592>.
- Olmstead, A.T. (1948). *History of the Persian Empire*, the University of Chicago, London.
- Plutarch, (1926). *Plutarch's Lives*. Trans. Bernadotte Perrin. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Schmitt, R (1983). "Achaemenid dynasty". Enc. Ir. I/4, 414-426, also available online at: <http://www.iranicaonline.org/articles/achaemenid-dynasty>.
- Strabo. (1924). *the Geography of Strabo*. Ed. H.L. Jones. Cambridge, Mass: Harvard University press.
- Tuplin, Ch. (1996). *Achaemenid Studies (Historia Einzelschriften 99)*. Stuttgart: Franz Steiner Verlag.
- Xenophon, (1914). *Cyropaedia*, Trans. Walter. M, Cambridge: Harvard University Press.
- Xenophon, (1918). *Hellenica*, Trans. Carleton L. Brownson, Cambridge: Harvard University Press.
- Xenophon, (1922). *Anabasis*, Trans. Carleton L. Brownson, Cambridge: Harvard University Press.
- Xenophon, (1979). *Economics*, Trans. William Heinemann, Cambridge, MA: Harvard University Press.

تصاویر:

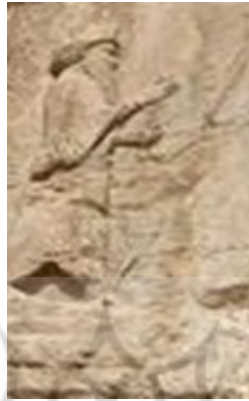


تصویر شماره ۱: مهر داریوش.^۱



تصویر شماره ۲: داریوش در بیستون. مأخذ: ماری کخ: ۱۳۷۷.

1. www.britishmuseum.org



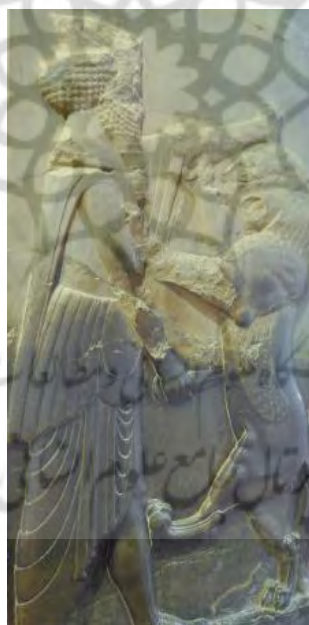
تصویر شماره ۳: داریوش در نقش رستم.^۱



تصویر شماره ۴: سکه‌های سلطنتی. مأخذ: بریان: ۱۳۸۷.



تصویر شماره ۵: مقش برجسته بیستون. مأخذ: ماری کخ: ۱۳۷۷.



تصویر شماره ۶: نگاره مبارزه شاه پهلوان با شیر (از کاخ داریوش).^۱